

## آیا کسی هست بخواد به فریاد مردم لبنان برسد؟



گفتگوی تلویزیون پرتو با کورش مدرسی

همان سیاست در عرصه عملی است که به بهانه حزب الله دارند واقعیت دیگری را تعیین تکلیف میکنند. این جنگ از پیش تدارک دیده شده بود. مردم لبنان قربانی چنین جنگی هستند. این هیچ ربطی به جنگ قدیمی تر فلسطینیان و یا حزب الله لبنان ندارد. اتفاقات مشابه دو سرباز اسرائیلی روزمره رخ میدادند. اما اینکه همین اتفاق منجر به واکنش امروز میگردد بنظر من ( البته اینرا همه و از جمله خود تحلیل گران و اشنگتن هم پنهانش نمیکنند ) به تصمیم یکجانبه اسرائیل و امریکا برای یکسره کردن اوضاع منطقه بنفع خود استوار است. به قیمت خانه خرابی مردم و بحکم حق یکجانبه امریکا و متحدینش در همه جای دنیا هر جا منافعشان ایجاب کند دست بهر کاری میزنند، این جلوی چشمان ماست. رک و راست دارند میگویند اگر کسی در مقابل این قدر قدرت اطاعت و همراهی بخرج ندهد ویرانی و تباهی و نابودی و کشتار مردم بیگناه، درست مشابه لبنان، را بچشم خواهد دید.

سوال: اجازه بدهید یکر است برویم سراغ مخالفتهایی که با دیدگاه شما در رابطه با جنگ مطرح هستند. گفته میشود حملات و اقدامات تروریستی حزب الله و اسلامی ها علیه مردم اسرائیل را ندیده میگیرید. اسرائیل مدعی است که مدتها قبل جنوب لبنان را تخلیه کرده بوده است. آیا شما ظرفیتهای و نقش حزب الله و جریانات اسلامی را ندیده نمیگیرید؟

کورش مدرسی: ایدا من این مساله را ندیده نمیگیرم. ببینید فلسطین در اشغال اسرائیل است. چهل سال است در اشغال است. بخشهایی از جنوب لبنان را

بعقیده من بحث ایدا بر سر حزب الله نیست، بحث بر سر مردم جنوب و سراسر لبنان است. بحث بر سر وضعیتی است که اسرائیل بر سر مردم فلسطین در آورده است. هیچ توجیه دیگری بجز سیاست از پیش تدارک دیده شده امریکا برای این جنگ و اقدام اسرائیل وجود ندارد. ما از پیش نسبت به این سیاست هشدار داده بودیم. کشمکش به بهانه هسته ای علیه جمهوری اسلامی یکی از عرصه های سیاست نظم نوینی امریکا است. جنوب لبنان عرصه دیگری از همین سیاست است.

دیگر، و سوابق کشمکش این دو طرف راستش چنین تحلیلی بنظر زیاد هم ناموجه بنظر نمیرسد. چرا و چگونه است که شما این واقعه را طور دیگری نگاه میکنید؟

کورش مدرسی: در نگاه به

اسرائیل تخلیه نکرده است. مردم لبنان از هر تیره و طایفه ای باشند حق دارند علیه يك فاشیسم لجام گسیخته مبارزه کنند. حق دارند مقاومت بکنند. اینکه کسی پیدا نمیشود مردم را سازمان بدهد، و يك جماعت جانی اسلامی پیدا شده اند که لباس حامی مردم را بر تن کرده اند، و همین جریانات به تنها نقطه حامی مردم تبدیل شده اند، این پدیده يك شرمندگی برای بشریت متمدن است. اما چیزی را هنوز در حقانیت مردم لبنان در دفاع از حق خود تغییر نمیدهد. این تقصیر ما کمونیستها و امثال ماست که نمیتوانیم پوششی برای مردم لبنان درست کنیم. تقصیر ماست که نتوانسته ایم راهی برای دفاع از زندگیشان در مقابل آن مردم و یا فلسطینیان قرار دهیم. تاکید میکنم مردم فلسطین و لبنان حق دارند از خود دفاع کنند. کمونیستها و آزادیخواهان و طبقه کارگر آنجا غایبند و از دور برای آن مردم "دست تکان میدهند". از طرف دیگر يك عده جریان جانی و ضد انسان اسلامی پرچم دفاع از مردم را بر دوش گرفته اند. هر دو پدیده های تلخی هستند. هر چند هم که تلخ، اما اجازه نداریم که عواقب آنرا بر سر مردم لبنان خالی کنیم.



سوال: حملات اسرائیل لبنان را بپاک و خون کشیده است. هنوز هم نشانی از پایان این حمله بچشم نمیخورد. بحث و تفسیر و واکنش حول این جنگ دنیا را در خود فرو برده است. "فاشیسم لجام گسیخته اسرائیلی و امریکایی به بهانه اسارت دو سرباز اسرائیلی"، مفاد اصلی بیانیه حزب حکمتیست در مورد این جنگ را شکل میدهد. مطابق همین بیانیه اهداف نظم نوینی امریکا است که در منطقه دارد تعقیب میگردد. بخش وسیعی از جریانات سیاسی تحلیلهایشان بر اساس "رویارویی دو اردوگاه تروریستی" استوار است. در يك نگاه به طرفین درگیر، حزب الله و جمهوری اسلامی و حماس از یکطرف و اسرائیل با پشتیبانی امریکا از طرف

دیگر، و سوابق کشمکش این دو طرف راستش چنین تحلیلی بنظر زیاد هم ناموجه بنظر نمیرسد. چرا و چگونه است که شما این واقعه را طور دیگری نگاه میکنید؟

کورش مدرسی: در نگاه به این واقعه باید قبل از هر تحلیلی به يك فاکت دقت کرد. در تحلیلهایی که رایج است انسان، سرنوشت انسانها، اتفاقاتی که دامن این انسانها در منطقه را گرفته است به کنار گذاشته میشود. این تحلیلهای تشابه زیادی به بررسی سرنوشت بعنوان نمونه نسل فك و پنگون در قطب شمال بر اثر تغییرات آب و هوا دارد. به همین سیاق به سراغ لیستی از "عوامل" و "مسبب" میروند.

اینجا اتفاق خیلی روشنی افتاده است. خیلی ساده مردم لبنان داشتند زندگیشان را میکردند، امروز زندگی نمیکنند. مردم جنوب لبنان داشتند صبح به سر کار میرفتند، امروز از چنین کاری باز مانده اند. مدرسه، بیمارستان و زندگی ای در جریان بود، امروز تعداد زیادی از همان بچه ها کشته شده اند. بدون اینکه گناهی داشته باشند. باید در چشم این اتفاق نگاه کرد. باید دید چه دارد روی میدهد. اینکه اسرائیل چهل سال است که منطقه را نا امن کرده است و به ازاء هر پیشروی خود آبشخور انواع و اقسام ارتجاع (زمانی ناسیونالیسم عرب و اخیرا هم اسلامی ها) شده است، تنها سطوح تحلیلی قضیه را تشکیل میدهند. اتفاقی که در جریان است عبارت است از اینستکه اسرائیل - و با حمایت مستقیم امریکا و انگلیس - بی توجه به ابتدایی ترین ارزشهای انسانی بخاطر منفعتهای خود خاک منطقه را به تیره کشیده اند. حق فلسطینیها را برسمیت نمیشناسند. جنوب لبنان را دوباره به اشغال در میاورند. تازه مدعی هم هستند که این حزب الله است که جنوب لبنان را اشغال کرده است!

بعقیده من بحث ایدا بر سر حزب الله نیست، بحث بر سر مردم جنوب و سراسر لبنان است. بحث بر سر وضعیتی است که اسرائیل بر سر مردم فلسطین در آورده است. هیچ توجیه دیگری بجز سیاست از پیش تدارک دیده شده امریکا برای این جنگ و اقدام اسرائیل وجود ندارد. ما از پیش نسبت به این سیاست هشدار داده بودیم. کشمکش به بهانه هسته ای علیه جمهوری اسلامی یکی از عرصه های سیاست نظم نوینی امریکا است. جنوب لبنان عرصه دیگری از همین سیاست است. در ادامه



است که قبل از هر چیز توانسته باشند جلوی اسرائیل را بگیرند. در ایران بعهدہ جریانات چپی است که جمهوری اسلامی را سرنگون میسازند. چنین تعیین تکلیفی در عراق هم بعهدہ جریاناتی است که قبلیش توانسته باشند جلوی ارتش امریکا را بگیرند. من نمیدانم با کدام منطقی باید گفت. مسالہ امروز مردم لبنان حملہ اسرائیل است. میبرسم تروریسم چه ربطی به مسالہ دارد؟ تا دیروز مردم داشتند زندگی میکردند، امروز از زندگی باز مانده اند. کسی هست بخواد بداد مردم لبنان برسد؟

کسی میتواند تکلیف حزب الله را روشن کند که قبلیش يك آلترناتیو جلوی مردم لبنان بگذارد. راهی را در مقابل مردم بگذارد که بجای حزب الله زیر پر و بال شما جمع شوند تا بتوانند مقاومتی را در مقابل اسرائیل سازمان دهند. مقاومت در مقابل حزب الله را کسی میتواند سازمان دهد که مبتکر موثرترین مبارزه در مقابل اسرائیل است. درست همانطور که در ایران مقاومت در مقابل جریانات اسلامی و قوم پرست از دست کسانی بر میآید که موثرترین راه مقابله با جمهوری اسلامی را در دسترس مردم ایران قرار میدهند. در غیر اینصورت برگرداندن تفنگ، تیر زدن به پای خود است. حاصل آن تبدیل شدن به يك جریان منزوی و بیراه و بیکاره است که هیچ کاری نمیتواند برای مردم به انجام برساند.

تاریخ امروز بشریت بینهایت تاسف انگیز شده است. خیل عظیم مدیا و رسانه ها روزنامه نگاران دارند بزرگترین دروغهای تاریخ را بعنوان حقیقت بخورد مردم میدهند. بقیه هم دارند "ادو اردوی تروریسم" را محکوم میکنند! چه میشود گفت؟ درود بر شما! يك میلیون مردم لبنان آواره شده اند، کشته ها هزاران نفر است. این او را بکار میگیریم و به انتظار مینشینیم تا حزب الله ذوب شود و اسرائیل هم لایذ زمانی پشیمان خواهد شد!

بنظر من این "تحلیلها" فرمول هیچ کاری نکردن است و بس. اینها فرمول راه نداشتن است. شکست حزب الله و حماس کار کسانی است که راه موثر شکست اسرائیل را در مقابل آن جامعه قرار داده اند. موضع "هر دو محکوم است" و اهدای شعار انترناسیونال از دور برای مردم لبنان، چیزی بیشتر از موضع "جنت مکان" نیست. دردی را هم از مردم لبنان درمان نمیکند. قبل از حملہ اگر طرفداری از حزب الله در لبنان حاشیه و در حال کوچک شدن بود، امروز همان دولت ضد حزب الله و طرفدار امریکای لبنان دارد از جریان حزب الله حمایت میکند. گزارش رسانه ها حکایت از رشد چشمگیر حمایت از حزب الله در سراسر لبنان دارند. فاجعه از این بزرگتر ممکن نیست. مردم را دارند بیرحمانه بمباران میکنند. مردم چاره ای ندارند زیر پوشش و سرپناهی جمع شوند. این پوشش را بدبختانه یکی از مرتجعترین نیروهای منطقه در دسترس مردم قرار داده است. در این میان یکدهم هم قاضی شده اند که اردوی ارتجاع کی هست و کی نیست، کی محکوم است و ..... روی سخن من کمونیستها و چپ ها و آزادیخواهان در ایران و عراق و لبنان و اسرائیل است. و در خود اروپا. روی سخن ما به اینهاست که باید جنید.

دولت لبنان تا حال حتی يك گلوله علیه اسرائیل شلیک نکرده است. امروز در لبنان و در منطقه برای مردم، و در آن میان حتی برای زنان سکولار و مردم غیر مسلمان، حزب الله تبدیل به تنها نیرویی شده است که با آن بتوانند از شرافت و زندگی خود دفاع کنند. اقلا يك مقاومتی را سازمان دهند. همان کاری که حماس در فلسطین مشغول آن است. اوضاع بوجود آمده از يك طرف لجام گسیختگی بی پروای اسرائیل و امریکا را به نمایش گذاشته است. از طرف دیگر همین اوضاع گویای انفعال، بیخطی، ناامیدی مزمن دامنگیر جریانات چپ است. این جریانات نتوانسته و نمیتوانند هیچ سرپناهی برای مردم درست کنند. این جریانات بجز شعارهای توخالی کار دیگری از شان ساخته نبوده است. از آنجاییکه از دست این جریانات کاری بجز خخش اعلامیه ساخته نبوده است، جریانات دیگری مثل حماس و حزب الله به تنها مرجع دفاع از خانه و زندگی مردم تبدیل شده اند.

تاکید من اینست که ما داریم از خانه و زندگی مردم حرف میزنیم و نه از ریش و عباي شیخ حزب الله. انتقاد مورد نظر از نوع انتقاد چپ حاشیه ای و مریخی است که از دیدن واقعیت ساده جاری در منطقه عاجز است. این همان چپ بیربط است که در سی چهل سال گذشته نتوانسته کاری را برای مردم به سرانجام برساند. در این چپ در اوضاع عراق هنوز امیدشان به اینستکه سربازان بین المللی بیایند و مردم آن کشور را نجات دهند. تا زمانیکه چپ و کمونیستها در همان عراق نتوانند سنگری در دفاع از مردم و زندگیشان در مقابل آن جهنم بسازند؛ زمین را به ارتجاعی ترین نیروها باخته اند. بجای دیدن این واقعیت، پناه بردن به تحلیل "تقابل قطبهای تروریستی و ارتجاعی" چیزی بیشتر از يك پوشش کاذب برای انفعال آن چپ نیست. این چپ و اینگونه مواضع فضای دنیای را اشغال کرده اند. باید اینها را بیدار کرد. باید مردم را بیدار کرد. باید کمونیستهای اسرائیلی را خطاب قرار داد که تفنگ را بسوی دولت "خودی" اسرائیل برگردانند. موضع "دو قطب ارتجاعی" تنها اتخاذ يك موضع بیطرف در این کشمکش خانمان برانداز است و بس. این يك موضع ظاهرا تند است ولی در واقع موضعی در خدمت اسرائیل و خدمت به حزب الله است. امروز مبنی بر "جنگ دو ارتجاع" بزرگترین خدمت به حزب الله است. این موضع، موضع امریکا است. موضع انگلیس است. به این خاطر که انگلیس به دنیا خاطر نشان میکند که جنگ دو طرف دارد. میگوید که حزب الله باید از مرز کنار برود. در این میان کسی نیست که بگوید تنها نیرویی که همین امروز دارد در مقاب ویرانی حملات اسرائیل برای مردم جنگ زده لبنان سدی میسازد، با کمال تاسف، یکی از کثیفترین نیروهای دنیای امروز ما همان حزب الله است. امروز اسرائیل جنگ و خونریزی، و در عوض حماس دارد به مردم فلسطین مهد کودک میدهد.

در چهار چوب جریانات مد نظر شما، سیاست همه چیز هست بجز انسان. سیاست همه چیز هست بجز مجرای که از جمله همین چپ و آزادیخواهان را موظف سازد راه و چاره ای را در مقابل این انسانها قرار دهند. این سیاست همه چیز هست، جز اینکه راهی را در مقابل مردم لبنان قرار دهد که بتوانند به زندگی معمول خود بازگردند. در مقابل کسانی که بر اسب "دو قطب تروریستی" سوار هستند میبرسم اگر خود شما امروز در لبنان بودید چه میکردید؟ آیا واقعا حزب الله را هدف تیرهای خود قرار میدادید!

بنظر من انسانیت در این میان دارد قربانی میشود. بنظر من قبل از کودکان و مردم لبنان، این آزادیخواهان و چپ که در دالانهای پیچ در پیچ تحلیلها باصطلاح تنوریک سرگردان هستند، خود از قربانیان این جنگ باید بحساب بیایند. نتیجه عملی این اوضاع چیزی بیشتر از تداوم کشته شدن مردم بیگناه در لبنان نیست.

سوال: در بیانیه مسئولیت کامل این جنگ بر گردن اسرائیل گذاشته شده است. خواهان پایان فوری حملات اسرائیل شده اید. به این ترتیب تعیین تکلیف با این جریانات تروریستی اسلامی چگونه انجام خواهد شد؟

کورس مدرسی: تعیین تکلیف در لبنان و منطقه کار جریانات چپ



جنایتکارانه تر است. چه کسی باید فریادش در مقابل این بلند شود؟ خیلی ساده در بمباران فرضی مردم تهران چنین عکس العملی را از شهروند فرانسوی خواهیم پذیرفت؟ همین نگرش، سیاه بر سفید، بمباران امریکا در تهران را بپای کشمکش دو قطب ارتجاعی خواهد گذاشت و به همین سیاق " هر دو قطب تروریستی " را محکوم خواهد نمود! ببینید، مساله من محکوم کردن و محکوم نکردن، نیست. این فرمولها بنظر من پوچ است. مساله من انسانها و دفاع از حق آنهاست. کسی حق دارد سراغ "محکوم کردنها" برود که قبلش راهی را جلوی مردم میگذارد. این تنها راهی است که میتواند بن بست مطلق جریانات آزادیخواه در چهل پنجاه سال اخیر را بشکند. باید رفت و سرپناه درست کرد. تا وقتی دست بکار درست کردن سرپناه برای مردم نشده ایم، فقط و کماکان در نقش يك "قاضی" باقی میمانیم. و این "قاضی" هیچ راهی بجایی نمیرسد. تصویر کسی را میدهم که در حال خوردن بستنی، به قضاوت نشسته ایم که چرا کودک فلسطینی در زیر بمباران زیر پر و بال حزب الله پناه گرفته است! این موضع لخت و بیتفاوت و انتلکتی و مدیا محور دنیای امروز است که در آن ارزش انسان پوچ است.

حرف من اینستکه بجای این باید از انسانها و بشریت دفاع کرد. اسرائیل زندگی مردم را تباہ کرده است. يك میلیون نفر داشتند زندگی میکردند، امروز زندگی نمیکند. اینجا دیگر چرتۀ انداختن ایدئولوژیک راه و روش فرقه های مذهبی میتواند باشد و بس. درست به همین دلیل است که همه جا چپ دارد به حزب الله و جریانات اسلامی میبازد. بخاطر اینکه آنها عملاً بعنوان مدافع مردم ظاهر میشوند، عملاً برای مردم کار میکنند. دست مردم را توی دست هم قرار میدهند. متحد میکنند. سرپناه عاطفی و فیزیکی درست میکنند. عقب نشینی را سازمان میدهند. بفکر مردم هستند. در عوض به صف آزادیخواهان و چپ نگاه کنید!

سوال: بطرز دردناکی تمام دنیا ساکت نظاره گر این جنگ گشته اند. مردم لبنان تنها مانده اند. از تظاهراتهای بزرگ ضد جنگ، حتی در ابعاد کوچک چند ده صد نفره در هیچ کجای اروپا و هم در سایر جاها خبری نیست. همین هم دست امریکا و اسرائیل را هر چه بیشتر باز گذاشته است. چرا اینطور است؟

کوروش مدرسی: بخاطر اینکه آزادیخواهی به موضع نامساعدی رانده شده است. اولاً به این دلیل که عده ای پیدا شده اند که مردم را آزادیخواهی ترسانده اند. تسری فرمولهای عجیب و غریب تنوریک "قطبهای تروریستی" دست و بال مردم را بسته است. ثانیاً به این خاطر که مردم علیه جنگ عراق تظاهرات کردند و به جایی نرسید. نتوانستند جلو دار جنگ شوند.

مساله اینستکه تظاهرات به هیچ جا نمیرسد. این چهارچوبی است که بورژوازی از آن نمیترسد. آن چیزی بورژوازی را میترساند که قدرت شکست دادن را در خود دارد. طبقه کارگر. اینکه این طبقه چرخهای تولید را بخواباند. اینگونه اقدامات ظاهراً از دستور

سوال: اجازه بدهید سر از محافل ایران در بیاوریم. گفته میشود جمهوری اسلامی سالها پول و خزانه مملکت را صرف حزب الله کرد. گفته میشود که این دوستان جمهوری اسلامی هستند که الان زیر بمباران و حملات اسرائیل قرار گرفته اند. از گوشمالی جمهوری اسلامی و حزب الله اظهار خوشحالی میشود. کوروش مدرسی: بنظر من این محدود نگرانه ترین پاسخی است که به این مساله میشود داد. این نزدیک بینانه ترین عکس العمل ممکن است. اولاً، در این وسط حزب الله نیست که شکست میخورد. مردم لبنان است که دارد کمرکشان میشکند. سالها حکومت جمهوری اسلامی چشم انسانیت را هم در ایران کور کرده است. سرکوب جمهوری اسلامی احساسات انسانی مردم را نابود کرده است. رساتنه ها تصویر کودکان اسرائیلی در حال امضای بمبهای در حال پرتاب بسوی کودکان لبنانی را جلوی چشماتمان قرار داده است. رژیم اسلامی چشم مردم ایران در دیدن این تصاویر را هم کور کرده است. صورت مساله از مردم بیگانه در فلسطین و لبنان تبدیل به صورت مساله محدود به حزب الله شده است. کی گفته است که حزب الله دارد شکست میخورد؟ راستی اگر پولی که دارند میدهند بجای حزب الله، صرفاً فیضیه قم شده بود آیا راه دوری نرفته بود؟ این چنین موضعی بنظر من پس رفت عظیمی برای بشریت است. کسی که اینطور میاندیشد معیارهای انسانی را کنار گذاشته است. این ناسیونالیسم است که گل کرده است، بخاطر اینکه ظاهراً آخوند لبنانی پدر از آخوند ایرانی است! ظاهراً خرج حوزه علمیه در قم زیاد راه دوری نرفته است! البته که هر دو يك مزخرف هستند چه در لبنان و چه در قم. بحث در این وسط بر سر حزب الله نیست.

مساله من اینست اگر ما اینگونه در مورد وضعیت مردم لبنان به قضاوت بنشینیم فردا در حمله احتمالی امریکا به ایران، مردم لبنان به همینگونه رفتار خواهند کرد. از همین دریچه در مقابل بمبهایی که فردا بر سر مردم ایران فرو خواهد آمد - اگر چنین اتفاقی بیافتد - مردم دنیا خواهند گفت: "گردنشان خرد، خود جمهوری اسلامی را سر کار آوردند، عواقبش را هم بچشند!!" پاسخ ما چه خواهد بود؟

آیا امروز در مقابل جهنم حاکم میابیم و مردم عراق را سرزنش میکنیم؟ بنظر من این غیر انسانی ترین برخورد ممکن است. این نتیجه استیصالی است که جمهوری اسلامی به مردم حاکم کرده است. این چنین محافلی فقط از نفرت انباشته شده اند و توانایی آنرا ندارند که کوچکترین راهی را در مقابل مردم قرار دهند.

سوال: اینجا در عین حال يك پارادوکس هم میان کشیده میشود. مردم بسیاری از حملات اسرائیل بیزارند. همین مردم در اوضاع فعلی دلخوشی شان این میشود که حزب الله کجا و چگونه پوزه اسرائیل را بخواک بمالد. حزب اللهی که همین مردم خود از آن منتفرند. این همان چیزی است که جمهوری اسلامی هم دارد دامن میزند. این يك پارادوکس غمناک است، شما چه فکر میکنید؟

کوروش مدرسی: ببینید پارادوکس غمناک مد نظر شما را ما خود بوجود آورده ایم. منظور من، ما، کمونیستها و آزادیخواهانی است که در این طوفان خانمان برانداز از درست کردن يك سرپناه عاجز بوده ایم. در این طوفان مردم سراغ يك جریان ارتجاعی رفته اند. بحث من اینستکه آیا باید نشست و قاضی شد که سرپناه کی خوب است و کدام یکی بد؟! اگر کوچکترین مفری را تاکنون باز کرده بودیم، آنوقت شاید مجال برای اینگونه موضعگیریها باز بود. در غیر اینصورت، این مواضع چیزی بیشتر از نازک دلی یکده آدم بی غم نیست. ما دشمن سر سخت حزب الله هستیم. اینرا حزب الله بهتر از هر کسی میداند. اما در این میان و همین امروز بحث بر سر مردم عراق و لبنان و فلسطین است. بحث من بر سر قربانی شدن مردم اسرائیل است که کودکان را به امضای بمبها میگذارند. بمبهایی که ساعتی بعدتر در میان کودکان فلسطینی منفجر میگردند. بنظر من این اقدام از آدم سوزی کوره های آشویتس





بشریت است. این جنگ باید فوراً خاتمه پیدا کند. مسئولیت این جنگ تماماً بر عهده اسرائیل است. سران دولت اسرائیل باید بعنوان جنایتکاران جنگی محاکمه شوند. ارتش اسرائیل باید فوراً جنوب لبنان و همه سرزمینهای اشغالی ترک کند. دولت فلسطین با حقوق و اختیارات دولتی برابر با دولت اسرائیل تشکیل گردد. آیا شما نکات تکمیلی دارید؟

کوروش مدرسی: نکات اصلی راه چاره در دعوی فعلی همانست که از بیانیته برشمردید. مساله فلسطین گره گاهی در منطقه شده است که اسلام سیاسی و ناسیونالیسم عرب را متولد کرده و پرورش داده است. این مساله تبدیل به غده چرکینی در منطقه شده است. امریکا و اسرائیل مسبب آن هستند. راه چاره آن بسیار ساده است: تخلیه کلیه مناطق اشغالی و برسمیت شناختن مردم فلسطین برای تشکیل یک دولت برابر در کنار دولت اسرائیل. این اگر بجایی برسد بنظر من تازه دست ما باز میشود تا بتوانیم ساده تر اسلام سیاسی در منطقه و کل دنیا ریشه کن کنیم.

این گفتگو در برنامه روز چهارم اوت ۲۰۰۶، سیزدهم مرداد ماه ۱۳۸۵ پخش گردید. گفتگو و تنظیم متن آن توسط مصطفی اسدیپور صورت گرفته است.



برنامه های تلویزیونی پرتو  
هر جمعه از ساعت ۵ و نیم تا ۶ و نیم  
بوقت تهران

از روی شبکه کانال يك  
Tel: 0046 707 399 868  
Parto.tv@gmail.com  
www.hekmatist.com/tv

خارج شده است. تنها شکل مبارزه به خیابانها محدود شده است. تظاهرات و خیابان راه بجایی نمیبرد. خیابان زمانی راه بجایی میبرد که قبلیش تدارک دیگری دیده شده باشد. طبقه کارگر غایب است. مردم نمیتوانند دولتهاشان را شکست بدهند. شعار، احساسات، افق، توقع، مطالبه و چشم انداز انقلابی غایب است. کسی نیست که از سرباز اسرائیلی بخواهد تفنگش را بسمت دولت خودی بچرخاند. کسی نیست که همین را از سرباز فرانسوی و امریکایی مطالبه کند. برای عده ای از همین چپها رادیکالترین خواست "خروج امریکا از عراق و جایگزینی سربازان دیگر بجای آن" است. تازه برای همین هم تنها راه انجام تظاهرات خیابانی است. این چهارچوب نه امروز برای مردم لبنان و عراق مشکلی را حل میکند و نه فردا در دفاع از جمهوری انقلابی در ایران راه بجایی خواهد برد.

اتفاقی که امروز در دنیا شاهد آن هستیم اجتناب ناپذیر است مگر اینکه کمونیستها بتوانند طبقه کارگر را بمیدان بکشند. طبقه کارگر این کشورها است که میتواند دولت های مربوطه و از جمله امریکا را بشکست بکشاند. همین دولتها بسادگی تظاهراتهای خیابانی را با سکوت از سر میگذرانند. فردایش مردم باید پروند سر کار و زندگی معمول خود. اگر چرخ تولید، نفت و آب و بندرها، کارخانه های اسلحه سازی از کار باز ایستند، آنوقت دولت امریکا باید فکری بحال خود کند.

سوال: در پایان گفتگو اجازه بدهید جانب انصاف را رعایت کنیم. تظاهراتی در دفاع از صلح در محل پارک دانشجو در شهر تهران برگزار گردید. این اکیسوی بود در دفاع از مردم بیگناه قربانی در جنگ. فراخوان مشابهی از جانب فعالین عرصه زنان هم اکنون مطرح است. شما در مورد جهت گیری مد نظر این تظاهراتها و این جوانان چه فکر میکنید؟

کوروش مدرسی: این اقدامات بدرجاتی متفاوت است. در ایران جمهوری اسلامی اختناق هست و مردم نمیتوانند حرفشان را روشن و رک و راست بزنند. کسی که آنجا در حال کندن سنگری است که مبارزه موثری را علیه جمهوری اسلامی به پیش ببرد، با شرایط و امکانات متفاوتی روبروست. بحث پیشتر من اساساً مربوط به جریانات و احزاب سیاسی و رسانه ها و ژورنالیستها بود. شخصاً فکر میکنم این فعالین طرفدار صلح در ایران مشغول کارهای مهمی هستند. بنظر من از معدود سنگرهای دفاع از انسانیت در ایران هستند. باید از آنها حمایت کرد. دستشان را فشرده. آنجا مجبورند بگویند دفاع از صلح، منتها اگر در اروپا بودند لابد حرف کاملتری را میزدند. ما فرمولهای دقیقتری در این

عرصه را گفته ایم. منتها باید توجه داشت اعتراضات در ایران ضربدر فاکتور جمهوری اسلامی و ضربدر خود نیروهایی که دارند آلترناتیو خویش را شکل میدهند؛ همگی پیچیدگی هایی را بوجود میاورد. بهر صورت کار این جوانان را باید تحسین کرد. باید از انسانیت دفاع کرد. بحث بر سر دفاع از ارزشهای انسانی است. هر کس، هر دولتی کودکان را به عرصه قربانیان جنگ میکشاند باید محکوم شود. جمهوری اسلامی کودکان روی میدانهای مین میفرستد. دولت اسرائیل امروز دارد کودکان لبنانی و اسرائیلی را قربانی کثیفترین جنایت شاید همه تاریخ میکند. فاشیستها و دولت اسرائیل کودکان اسرائیلی برای امضای بمبها تشویق میکنند. حتی هیتلر کودکان را به امضای بمبها نکشاند تا بعداً بمبها را روی مردم روسیه و فرانسه منفجر کند. در دفاع از حرمت کودکان و حرمت انسان باید سنگر بست. کسانی که در ایران برای بستن چنین سنگری تلاش میکنند، باید دستشان را فشرده.

برایشان آرزوی موفقیت کرد و در عمل هر کاری از دستمان برمیآید انجام دهیم تا مبارزه آنها موثرتر واقع شود. این جبهه ای است که انسان نقطه شروع آتست و نه محاسبات تنگ نظرانه فرقه ای.

سوال: برای تکمیل بحث به بیانیته حزب حکمتیست باز میگردم. در این بیانیته آمده است که جنگ اسرائیل علیه مردم لبنان، جنگی علیه